

واردات برنج و راه حل خودکفائی آن

نویسندگان: دکتر قربانعلی نعمت زاده^۱ مهندس مرتضی نصیری^۲ - و مهندس عبدالرحمان عرفانی^۳

چکیده

برنج دومین محصول مهم زراعی پس از گندم می باشد، تولید آن بدلیل نحوه سیاستگزاری، واردات بی رویه و بی ثباتی اقتصادی جوابگوی نیاز داخلی نبوده و هر روز هم تقاضای واردات افزایش می یابد. بطوریکه از ۱۱ هزار تن واردات در سال ۱۳۴۱ به یک میلیون و دویست هزار (۱۲۰۰۰۰۰) تن در سال ۱۳۷۸ رسیده است. این موضوع تا جایی پیش رفته که برنج را بعنوان یکی از مسائل اقتصادی و سیاسی روز تبدیل کرده است. روند تحول تولید مواد غذایی در سطوح جهانی و سیاست های سلطه گری دولت های قدرتمند، از مواد غذایی بعنوان اهرم فشار سیاسی ساخته است، افزایش رو به تزاید جمعیت جهانی، تخریب شرایط طبیعی اکوسیستم، مسمویت و گسترش شوری خاکها، آلودگی آب های جاری و ساکن، افق دستیابی آسان به غذای کافی را تیره مینماید، و با توجه به مقدار کم مازاد تولید بر مصرف جهانی برنج (۲/۴ الی ۴ درصد کل تولید جهان) نمی توان انتظار مطمئنی را برای تهیه برنج در بازارهای جهانی فراهم نمود. واردات بی رویه برنج و سایر محصولات کشاورزی باعث تخلیه شدن کشور از ارز و استفاده مستقیم از آنها، باعث پائین آوردن بهره وری و در نهایت فقر عمومی است. فقر یکی از عوامل مهم در امر عدم امنیت ملی است. برخوردها، تشنج ها، فسادها، رفتارهای ناهنجار اجتماعی، تخریب محیط زیست از جمله موارد برجسته عدم امنیت غذایی هستند. لذا دولت، مجلس و همه نهادهای ذیربط (مستقیم و غیر مستقیم) باید افزایش تولید محصولات کشاورزی را برای تامین غذا و امنیت ملی در سر لوحه برنامه های خود قرار دهند. در تدوین برنامه ایران ۱۴۰۰ به اهمیت برنج بعد از گندم اشاره گردید. در این

^۱ استاد یار دانشگاه مازندران و محقق در زمینه محصول برنج، عضو هیئت علمی دانشگاه مازندران نشانی - ساری - جاده خزر

آباد، دانشکده علوم کشاورزی ساری، صندوق پستی - تلفن ۰۱۵۱-۲۰۳۳۱ پست الکترونی: Gnemat@yahoo.com

^۳ عضو هیئت علمی مؤسسه تحقیقات برنج و کارشناس ارشد و محقق برنج

برنامه پیش بینی گردید که سطح زیر کشت برنج از ۵۸۵ هزار هکتار به ۷۵۶ هزار هکتار و میانگین عملکرد از ۴/۶ تن در هکتار به ۶/۵ تن در هکتار برسد، براساس برنامه یاد شده جمعیت ۶۰ میلیون نفری در ابتداء برنامه سوم (۱۳۷۸) به مرز ۹۰ میلیون نفر در سال ۱۴۰۰ خواهد رسید. براساس پیش بینی برنامه در سال ۱۴۰۰ تولید داخلی برنج نه تنها جوابگوی نیاز جامعه خواهد بود و نیازی به واردات نمی باشد بلکه احياناً صادراتی نیز صورت خواهد گرفت. حال باید توجه نمود با کدام سیاست تولید برنج، نظام کشت و استراتژی علمی برنامه ریزان و قانونگذاران کشور، می توان به این مهم دست یافت و راه را برای خود کفائی برنج هموار نمود. بر ما مسلم است که در مبادلات سیاسی و اقتصادی موجود جهان برای رسیدن به هدف نهائی خود کفائی، راهی جز تولید در حد امکان و مصرف در حد ضرورت وجود ندارد. باید توجه نمود که هر ساله بدلیل نوسانات شدید قیمت و عدم ثبات نظام کشت، سطوح زیر کشت ارقام محلی و اصلاح شده به شدت تغییر می کند و همین امر پیش بینی تثبیت نسبی واردات را مشکل می نماید، لذا براساس برنامه گسترش سطح زیر کشت ارقام اصلاح شده ممکن است نیاز واردات در سالی به ۳۰۰ الی ۵۰۰ هزار تن و در سالی دیگر به دلیل عدم توجه به ارقام اصلاح شده به ۷۰۰ الی ۸۰۰ هزار تن و حتی بیشتر برسد.

از طرفی همانگونه که در جدول ۴ و ۵ ملاحظه می گردد می توان با قاطعیت اظهار نظر نمود که اگر سیاست تجارت و واردات اصلاح گردد و ارقام پرمحصول مورد توجه قرار گیرد ضرورت خاصی برای واردات وجود نخواهد داشت. این موضوع نقطه عطفی برای رسیدن به ضریب بالاتر امنیت غذایی است، زیرا بدلیل تخریب شدید زمین های زراعی کشورهای تولید کننده برنج (شوری خاکها، بالا آمدن سطح آبهای دریا، افزایش بی رویه و تصاعدی جمعیت آنها و صادرات بسیار محدود مازاد نیاز بر مصرف (۲/۴ الی ۴ درصد) آینده تامین برنج از بازارهای بین المللی را محدود می نماید. امید است با اعمال سیاست صحیح به تولید ملی که اقتدار سیاسی را نیز در پی دارد حقیقتاً کمک نمائیم.

واژه های کلیدی: برنج، واردات، اهرم فشار سیاسی، راه حل خود کفائی، غذا و امنیت ملی.

برنج پس از گندم مهمترین محصول کشاورزی است و نقش بسیار تعیین کننده ای در تغذیه مردم جهان از جمله کشورمان دارد، به همین دلیل بیشترین سطح زیر کشت بعد از گندم در جهان به گیاه برنج اختصاص دارد. بر اساس آمار خوار و بار جهانی (FAO) سطح زیر کشت برنج در دنیا در حدود ۱۵۰ میلیون هکتار می باشد از این مقدار در حدود پنجاه درصد آن (سطح زیر کشت) به دو کشور پهناور و پرجمعیت چین و هندوستان تعلق دارد در حالیکه سهم زیر کشت ایران در حدود ۰/۴ درصد سطح زیر کشت دنیاست (۱). میزان تولید شلتوک کشور نیز در حدود ۰/۴ درصد کل تولید شلتوک جهان و عملکرد آن در واحد سطح در حدود ۴/۲ تن در هکتار می باشد (کمی بیشتر از میانگین عملکرد در دنیا یعنی ۳/۷ تن در هکتار). میزان تولید برنج و مصرف سرانه آن در کشور بسیار متغیر می باشد و بستگی کامل به شرایط اقتصادی، واردات و توجه یا عدم توجه به ارقام پرمحصول دارد، اگر چه سطح تولید برنج در دنیا و میزان تولید شلتوک آن نیز بالا است، اما بدلیل اینکه اکثر کشورهای تولید کننده خود مصرف کننده عمده برنج می باشند در نتیجه سهم بسیار محدودی از تولیدات جهانی (۲/۴ الی ۴ درصد) وارد بازار بین المللی می گردد (۲). باید توجه نمود که خشکسالی شدید در سالهای آینده پیش روی اکثر کشورهای آسیایی است. در گزارش مؤسسه بین المللی تحقیقات برنج آمده است که اکثر کشورهای آسیایی خشکسالی های شدیدی را تا سال ۲۰۲۵ میلادی پیش رو دارند. این موضوع زنگ خطر است که کشورها، برای سیر کردن شکم های مردم باید روش های جدیدی را در پیش گیرند (۱۳). در این میان ایران یکی از کشورهای مهم و اصلی وارد کننده برنج در دنیا می باشد (۱۴). لازم به توضیح است که هیچگاه واردات برنج به کشور ثابت و از یک روند ثابت صعودی و یا نزولی تبعیت ننموده است. در یک سال ممکن است نسبت به سال قبل ۵۰ درصد افزایش واردات و یا کاهش واردات دیده شود در حالیکه هیچگاه چنین روند تولید، حداقل در ده سال گذشته بچشم نمی خورد. این نکته

بیانگر آن است که آمار تولید، نیاز واردات، ضرورت واردات واقعاً فرضی و غیر علمی است (جدول ۱ و نمودار ۱).

نقش غذا در امنیت ملی کشورها برکسی پوشیده نیست، اهمیت غذا و تهدید گرسنگی (به هر دلیل ممکن از جمله کمبود آب، آلودگی هوا و خاک، توزیع ناعادلانه سیاستهای غیر صحیح و غیره) موضوع امروز و فردا نمی باشد. بلکه در اسناد تاریخی می بینیم که چگونه از غذا بعنوان اهرم فشار سیاسی استفاده شده است (۳ و ۴).

ایرل باتز، دبیر اسبق وزارت کشاورزی آمریکا می گوید: غذا یک اسلحه است. امروز غذا یکی از ابزارهای اصلی در مذاکرات بین المللی ما است (۱۵). تهیه غذا در حد امنیت غذایی چنان مهم بوده است که رومیان باستان برای تهیه غذا کافی خدایانی داشتند و آنها را برای حفاظت از تولید و زمین پرستش می کردند. سرز (ceres)، الهه رومی خدای غله بود که بعدها همین نام با اندکی تغییر به غلات (cereal) گفته شد (۵). در اسلام نیز غذا و امنیت غذایی دارای اهمیت ویژه ای است. چگونه ممکن است کرامت انسان ها، آباد کردن مزرعه دنیا برای تعالی آخرت، شکوفایی غنچه های باغ جان انسان و تجلی آنها بر جسم جامعه، بدون برچیدن بساط فقر، عملی شود؟ قرآن کریم در سوره بقره آیه ۲۶۸ می فرماید الشیطان يعدکم الفقر و یامرکم بالفشاء (۶). و یا حدیثی از رسول خدا نقل شده که فرمود کاد الفقرا یكون کفرا، برخی از نظریه پردازان اقتصادی در استدلال خود و توجیه وارد کردن محصولات مختلف کشاورزی از جمله برنج می گویند که تولید داخلی گرانتر از خرید خارجی و وارد کردن محصولات می باشد، برای یادآوری مجدد چنین توجیه گران، به بخشی از بیان ریاست محترم جمهور جناب آقای خاتمی اشاره می شود که فرمود:

کشاورزی واقعاً جنبه حیاتی و استراتژیک راهبردی برای حیات کشور دارد، تامین منابع غذایی راحتی نباید ملاحظه صرف اقتصادی بکنیم، بلکه سیر بسوی خود کفائی باید انجام گیرد، متأسفانه کشاورزی هم مثل کل اقتصاد ما رنج می برد از یک سلسله مشکلاتی که باید بطور اساسی حل شود، کشاورزی هم اشتغال زا است و هم تامین کننده حیات ما

است، البته ما که میخواهیم ۷۰۰ هزار یا ۷۵۰ هزار شغل ایجاد کنیم باید برویم به سوی احیاء کشاورزی و...

ما در بخش کشاورزی فقط حمایت از کشاورزی را در لفظ پرورش می دهیم و هنوز موفق نشدیم که فرهنگ حمایت از کشاورزی را یاد بگیریم، در اتحادیه اروپا هزینه حمایت های کشاورزی برای صدور محصولاتی نظیر گندم، گوشت، لبنیات، غلات و خوراک دام سالیانه بیش از ۱۳ میلیارد دلار می باشد (۷) و در اواخر دهه ۸۰ و اوائل دهه ۹۰ ژاپن سالی ۲۵ میلیارد و آمریکا سالی ۲۴ میلیارد دلار هزینه حمایت کشاورزی داشتند. اما اقتصاددانان و برنامه ریزان ما می گویند خرید و واردات ارزانتر از تولید داخل است. بهر حال باید پذیرفت که واردات بی رویه برنج نقش بسیار منفی در تولید ملی، تبدیل و تغییر کاربری زمین های بسیاری به فعالیت های غیر استراتژیک، اشتغال زدائی از روستاها و صنایع وابسته به زراعت برنج و کمک و سرعت بخشیدن به مهاجرت ها از روستا به شهرها را در پی داشته و دارد.

هدف از این مقاله، بررسی نقش منفی واردات در تولید داخلی کشور، بیان یک واقعیت ملموس عدم امنیت غذایی در صورت عدم پرداختن به تولید داخلی و در نهایت ارائه تصویری مبنی بر اینکه اگر سیاستگزاری تجارت و واردات برنج براساس واقعیت صورت گیرد این مملکت نیاز به واردات برنج نمی باشد.

روش تحقیق

در مقاله تحلیلی حاضر، سعی گردید که ابتداء با مطالعه منابع مختلف در خصوص سیاستگزاری دولت در امر تهیه، واردات و توزیع (۱، ۲، ۵ و ۸) برنج از سال ۱۳۴۱ الی ۱۳۷۹ اطلاعات لازم بدست آید. سپس با توجه به مجموعه اطلاعات و آمار موجود در منابع مختلف به بحث، نقد و بررسی آن پرداخته شد.

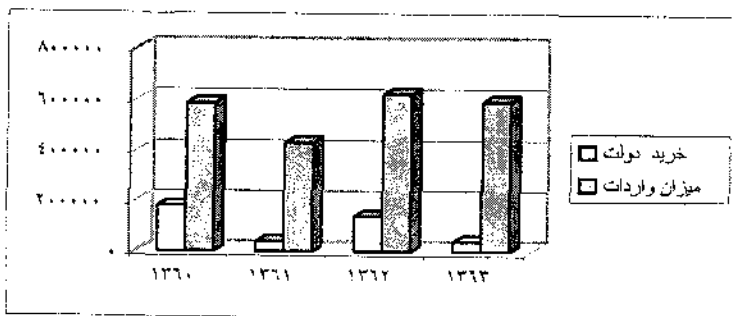
همچنین با استفاده از وضعیت آب و خاک موجود و سطح برنجکاری کشور در استانهای مختلف، ظرفیت ژنتیکی و فیزیولوژیکی ارقام اصلاح شده پر محصول در تولید

شلتوک در واحد سطح، ضریب تبدیل شلتوک به برنج سفید و مقدار مصرف سرانه و جمعیت کل کشور در دو حالت مختلف یکی در شرایط بدون حمایت و داشتن هرگونه نظام کشت (شرایط موجود) تولید کل کشور در مقایسه با مصرف کل بررسی شود و کسری یا کمبود برای واردات مشخص گردد. دیگری در شرایط حمایت دولت از تولید ارقام پرمحصول و داشتن نظام کشت نیز تولید کل کشور در مقایسه با مصرف کل بررسی و میزان کسری یا کمبود برای واردات مشخص گردد (استراتژی حرکت به سمت خودکفائی). بطور کلی باید گفت که روش تحقیق در اینگونه مقالات از طریق بررسی منابع و استدلال و تجزیه و تحلیل توصیفی می باشد.

مصرف، تولید و واردات برنج در ایران

تا سال ۱۳۵۰ برنج در ایران چندان گسترش نداشته و در بسیاری از نقاط ایران بعنوان یک کالای لوکس به شمار می رفت. اما بتدریج با شروع دهه ۱۳۵۰، بعنوان یک غذای اصلی بعد از گندم عمومیت یافت. از جمله دلایل عمده چنین رواج همگانی، می توان افزایش قیمت نفت در دهه ۱۳۵۰ و افزایش دستمزدهای کار و کارگری مخصوصاً در بخش صنعت و بالا رفتن قدرت خرید مردم را ذکر نمود.

امروزه نیز برنج بعنوان یکی از محصولات مهم زراعی پس از گندم و دومین غذا در تامین کالای مورد نیاز در جیره غذایی مردم بوده و مصرف سالانه آن به ۳۶ الی ۳۸ کیلوگرم در سال رسیده است آمار نشان می دهد که تا سال ۱۳۴۰ هیچگونه وارداتی در زمینه برنج صورت نمی گرفت بلکه مقادیر محدودی هم صادر می گشت اما از سال ۱۳۴۱ اولین واردات برنج به مقدار ۱۱ هزار تن آغاز گشت. آمریکا، تایلند، پاکستان و اروگوئه کشورهای اصلی صادرکننده برنج به ایران بودند، نمودار زیر واردات برنج را از سال ۱۳۴۱ تا سال ۱۳۷۹ نشان می دهد.



نمودار ۱ - میزان واردات برنج کشور از سال ۱۳۴۱ تا ۱۳۷۸.

ماخذ:

- غلات در آئینه آمار سالهای ۷۵-۱۳۷۴، معاونت برنامه ریزی و بودجه، اداره کل آمار و اطلاعات وزارت کشاورزی.
- غلات در آئینه آمار، سالهای ۷۷-۱۳۷۶، معاونت برنامه ریزی و بودجه، اداره کل آمار و اطلاعات وزارت کشاورزی.
- سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان، گزارش وضعیت مجوز تخصیص صادره برنج در سال ۱۳۷۸ (۸)

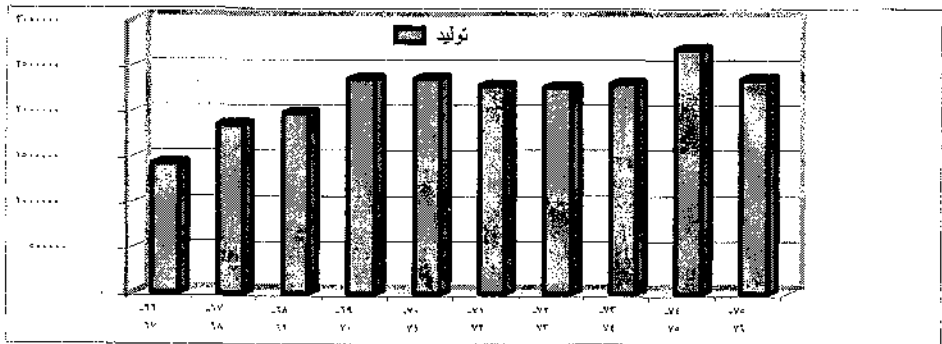
همچنین میزان تولید برنج (شامل ارقام پرمحصول و محلی) در سطح کشور (نوزده استان) در جدول شماره یک نشان داده شده است. بیشترین مقدار تولید را استان مازندران طی ده سال گذشته داشته است و دومین رتبه تولید مربوط به استان گیلان می باشد. کمترین آن مربوط به استان های اردبیل، آذربایجان غربی و استان کردستان (کمتر از سه هزار تن) بوده است.

جدول ۱- میزان شلتوک تولید شده (تن) در سالهای ۱۳۶۷ الی ۱۳۷۶ در نوزده استان کشور

۷۰-۷۱	۷۱-۷۰	۷۳-۷۲	۷۲-۷۳	۷۱-۷۲	۷۰-۷۱	۷۱-۷۰	۷۱-۷۰	۷۷-۷۸	۷۶-۷۷	تولید
۲۳۵۰۱۲۲	۲۶۸۴۷۶۷	۲۳۰۰۹۰۱	۲۲۵۸۹۵۹	۲۴۸۰۷۶۸	۲۳۶۴۱۴۰	۲۲۵۵۶۰۱	۱۹۸۱۰۱۹	۱۸۵۴۰۱۷	۱۴۱۸۵۹۴	

ماخذ: آمار نامه کشاورزی، وزارت کشاورزی، معاونت برنامه ریزی و پشتیبانی، اداره کل آمار و اطلاعات (۹).

همانطوریکه در جدول شماره ۱ و نمودار شماره ۲ ملاحظه می‌گردد از سال ۱۳۶۷ الی سال ۱۳۷۱ تولید شلتوک در کشور رشد صعودی داشته است و لیکن در سالهای بعد رشد منفی را نشان می‌دهد، مخصوصاً میزان تولید شلتوک در سال ۱۳۷۶ نزدیک به سیصد هزار تن کمتر از شلتوک تولیدی در سال ۱۳۷۵ می‌باشد، آیا واقعاً دلیل این امر بخاطر پائین آمدن سطح زیر کشت بوده است و یا بخاطر خشکسالی و اپیدمی آفات و بیماری‌ها چنین کاهش محصول را بدنبال داشته است؟ مطمئناً یکی از دلایل اصلی چنین کاهش تولید بخاطر بی‌ثباتی بازار، واردات بی‌رویه و کم‌توجهی به ارقام اصلاح شده و در نهایت تغییر سطح زیر کشت ارقام محلی و اصلاح شده می‌باشد.



نمودار ۲ - مقدار تولید شلتوک کل کشور (به تن) در طول سالهای ۱۳۶۷ الی ۱۳۷۶

نکته بسیار مهم و حائز اهمیت اینکه چنین کاهش تولید ملی، چقدر دلاری‌های نفتی را از کشور خارج و چقدر ضریب امنیت غذایی را کاهش داده است؟ چقدر سبب سردرگمی کشاورزان و چقدر زمین‌های اصلی کشت برنج را به سایر فعالیت‌های اقتصادی مولد و یا غیر مولد تبدیل نمود؟ چقدر باعث کاهش درآمد ملی گردید؟ همه موارد یادشده از نظر اقتصادی و سیاست‌گذاری کلان قابل بحث و سوال برانگیز است. در قسمتهای آینده بوضوح ملاحظه می‌شود که چگونه توجه به ارقام اصلاح شده در سالی کاهش واردات را در سال بعد در پی داشته است.

سیر قیمت های برنج تولید داخل و انگیزه واردات

همانگونه که بیان گردید اولین واردات برنج از کشورهای دیگر مربوط به سال ۱۳۴۱ می باشد. در دهه ۱۳۴۰ و تا سال ۱۳۵۳ قیمت برنج با رشد سالانه در حدود ۱۰ درصد ادامه داشت، اما از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۵۷ (وقوع انقلاب اسلامی) رشد صعودی برنج ادامه یافت. دلیل اصلی رشد قیمت ها بخاطر، کیفیت برنج، افزایش در آمد ناشی از قیمت نفت در بازارهای جهانی و افزایش نسبی در آمد ها و دستمزدها بوده است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز قیمت برنج به رشد صعودی خود ادامه داد و توجه خاصی به گسترش سطح زیر کشت برنج گردید بطوریکه حتی حیات سایر محصولات کشاورزی را تحت تاثیر قرارداد. در این میان سود کلانی هم نصیب سلف خرما، دلالان و واسطه گر ها گردید. برنجی که دولت وقت در دادن کود و سم و غیره به کشاورزان بصورت یارانه کمک می نمود و می بایست تحویل دولت برای توزیع عمومی گردد. تحویل واسطه ها و از آن طریق هم وارد بازار می گشت. البته شرایط خاص اجتماعی، اقتصادی دوران انقلاب و جنگ تحمیلی نیز تاثیر بسزائی در افزایش قیمت ها و روند توزیع در بازار داشته است. در این راستا دولت وقت بنابه مصالح عمومی، خود را ملزم به دخالت، خرید، کنترل و توزیع برنج می دید و همان قوانین تهیه و عرضه گندم را برای برنج نیز اعمال نمود و در نتیجه طرح خرید برنج داخلی را بمنظور کنترل بازار تصویب (۱۳۵۹) و تا شهریور سال ۱۳۶۳ نیز ادامه دارد. رویدادها و تاثیر طرح خرید برنج در افزایش و یا کاهش تولید برنج در کشور بسیار مهم و استفاده از پیامدهای آن می تواند در تصمیم گیریهای حال و آینده کمک بزرگی نماید. یعنی بجای بایگانی کردن اطلاعات در کتابخانه ها، آنها را بخوبی بررسی و نقاط مثبت و منفی آنها تجزیه و تحلیل نمود و در برنامه ریزی از آنها استفاده کرد.

در طرح خرید برنج در سالهای بین ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۳ توسط دولت مشکلات عدیده ای پیش آمد و در نهایت دولت مجبور گردید که آنها مجدداً در اختیار بخش خصوصی، سلف خرما و تجار قرار دهد، این عمل باعث افزایش قیمت های برنج در بازار گردید.

خرید برنج داخلی توسط تجار، سلف ها و بخش بسیار محدودی هم توسط سازمان تعاون روستائی صورت می گرفت و برای توزیع به شرکت سهامی گسترش خدمات بازرگانی و سازمان قند و شکر تحویل می شد، اما برنج های وارداتی توسط شرکت بازرگانی دولتی خریداری و مجدداً همان شرکت مسئولیت توزیع آنرا بعهده داشت و بعبارتی دولت بجای اصلاح روند تولید، خرید و توزیع، اصل صورت مسئله را پاک نمود و قیمت تضمینی را بدون مد نظر گرفتن واقعیت جامعه ملاک قرارداد و خود بعنوان یک رقیب اصلی تولید کننده با اهرم واردات وارد صحنه گردید و همواره این اهرم مانع از رسیدن به پتانسیل حقیقی تولید گردیده است.

در سال ۱۳۵۳ بدنبال افزایش قیمت برنج در بازار، دولت وقت تصمیم به وارد کردن در حدود ۲۰۰ هزار تن برنج برای متعادل کردن قیمت برنج در بازار گرفت (اولین قدم، یعنی از واردات بعنوان اهرم کنترل بازار استفاده گردید). اگر چه این اقدام دولت وقت تعدیل موقتی قیمت را در پی داشت اما دارای آثار تخریبی زیادی نیز در رابطه با تولید داخلی برجای نهاد، یعنی بجای مبارزه با علت به مبارزه معلول پرداخته شد و بجای حل مسئله، صورت مسئله پاک گردید و متأسفانه این استراتژی تا به امروز همچنان ادامه دارد. شرکت هایی تعاونی روستائی که با هدف کوتاه کردن دست واسطه ها و حمایت از تولید کنندگان تاسیس شده بود عملاً در کارهایشان ناموفق بودند این شرکت از سالهای ۱۳۴۹ تا ۱۳۵۶ هر ساله سهم بسیار ناچیزی از تولید داخلی را خریداری می نمودند (حدود ۲ درصد)، ذکر این نکته نیز ضرورت است که بجای اصلاح ساختاری و کارآمد نمودن شرکت های تعاونی روستائی، این شرکت ها عملاً در روند سیاست گذاری در امر تولید بی تاثیر شدند و صرفاً بعنوان یک کم تأثیر به توزیع قند و شکر، برف، صابون، کود و سم پرداختند. در نتیجه کار این شرکت ها تأثیر چندانی بر چگونگی تولید، عرضه، و تقاضا نداشت. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی نیز این روند ادامه یافت تا در نیمه سال ۱۳۵۹ بدلیل وقوع جنگ تحمیلی تمام عیار، وضعیت اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خاصی بوجود آمد.

دولت وقت تصمیم به سهمیه بندی برنجهای وارداتی گرفت و همچنان غافل از تاثیر منفی واردات بر تولید ملی از واردات، بعنوان اهرم، برای کنترل، بازار استفاده نمود.

این مسئله خود نیز اختلالاتی در تولید، توزیع برنج داخلی بوجود آورد، متعاقب آن دولت وقت برای تثبیت قیمت ها اقدام به خرید برنج، مازاد بر مصرف از تولید کنندگان نمود و ضوابطی را برای خروج و حمل و نقل برنج از مناطق شمالی به سایر نقاط کشور وضع نمود و در این راستا سازمان تعاون مرکزی روستائی و شرکت گسترش خدمات بازرگانی عهده دار طرح خرید برنج گردیدند. امروزه نیز همین روند و همین دستگاه های نیمه دولتی و نیمه خصوصی یاد شده به واردات و خرید داخلی مشغول می باشند و هر ساله معضلات تولید، خرید و توزیع بفرنج تر می گردد. نمونه بارز و بسیار اسف بار آنرا در محصول زراعی سال ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ ملاحظه می کنیم و تاثیر بسیار سنگین و منفی آن را در تبدیل کار بری اراضی و خروج برنجزارها از کشت برنج و اختصاص آنها به محصولات غیر استراتژیک، ویلاها، ساختمان خدماتی بوضوح مشاهده می کنیم، واقعاً تاثیر چنین روند بر اقتصاد ملی و در آمد ناخالص ملی چقدر می باشد؟ چه ارگانی مسئول این همه ضرر و زیان به اقتصاد ملی و امنیت غذایی است. عدم تقاضای خرید داخلی بدلیل اشباع بازار، از برنجهای وارداتی، صف های طویل تحویل برنج به مراکز خرید، عدم تأمین بموقع نقدینگی برای پرداخت بدیهی های کشاورزان و بسیار موارد دیگر باعث سردرگمی کشاورزان و عصبانیت آنها گردیده و در نهایت زمینه را برای تولید ارقام پرمحصول و حتی برنج های مرغوب به شدت ضعیف نموده است. وضعیت بی توجهی مسئولین تأمین آب، حفر گودالها و چاه های سطحی، نیمه عمیق و عمیق زیاد، حمل موتور پمپ ها از چاهی به چاهی و گرانی موتور پمپ ها و لوازم یدکی و غیره حقیقتاً باعث عصبانیت کشاورزان و از بین بردن انگیزه تولید گردیده است. راستی میلیون ها متر مکعب آب از طریق رودخانه های فصلی مازندران از پاییز تا بهار به دریا می رود، و کشاورزان به یاد خشکی تابستان و کمبود آب و خستگی دویدن بدنبال آب با دیده حسرت به آن نگاه می کنند، چه ارگانی و چه اندازه در این زمینه کار شده؛ و می شود؟

طرح تضمینی خرید برنج توسط دولت و پیامدهای آن پس از شروع جنگ تحمیلی و افزایش چشمگیر قیمت برنج، دولت جمهوری اسلامی ایران در شهریور سال ۱۳۵۹ اقدام به خرید برنج از کشاورزان نمود. نرخ تضمینی خرید برنج توسط دولت در سال ۱۳۵۹ از قرار کیلوئی ۱۲۵-۱۱۵ ریال اعلام گردید. بدلیل تفاوت قیمت اعلام شده با قیمت بازار، کشاورزان رغبتی به فروش برنج به دولت نشان ندادند. سال بعد (۱۳۶۰) قیمت تضمینی خرید برنج به قرار کیلوئی ۱۷۰ ریال به اضافه ۱۵ ریال جایزه افزایش یافت، این قیمت تقریباً مشابه بازار بود و در آن سال دولت موفق به خرید ۱۸۱ هزار تن شلتوک گردید. این میزان خرید تاثیر مستقیمی در واردات داشته و در سال بعد (۱۳۶۱) به میزان ۱۵۵ هزار تن از واردات کاشته می شود، دلیل کاهش واردات متناسب بودن قیمت تضمینی ارقام پرمحصول اصلاح شده با تورم جامعه بوده است. این امر اهتمام کشاورزان را به کشت ارقام پرمحصول در پی داشت. متأسفانه در سال ۱۳۶۱ با توجه به شرایط جنگی و تورم جامعه و بدون بررسی کلیه عوامل موثر در هزینه ها، همان قیمت سال ۱۳۶۰ برای خرید از طرف دولت اعلام میگردد، این موضوع مجدداً با واکنش سود کشاورزان روبرو شده و دولت موفق می شود فقط ۴۰ هزار تن شلتوک از کشاورزان خریداری کند، مجدداً ارقام پرمحصول با بی مهری روبرو شده و تاثیر منفی آن در عدم کاشت ارقام پرمحصول در سال زراعی بعد کاملاً مشاهده می شود، عبارتی ارقام پرمحصول از رونق می افتند.

در سال ۱۳۶۲ قیمت تضمینی برنج تجدید نظر شده و از قرار کیلوئی ۲۵۰ ریال به اضافه ۱۰ درصد پاداش اعلام می گردد. قیمت پیشنهادی در آن سال تقریباً مشابه بازار بوده لذا کشاورزان راغب به تحویل برنج به دولت می شوند، میزان خرید دولت افزایش یافته و به ۱۴۰ هزار تن رسید، مجدداً این افزایش خرید باعث ترغیب کشاورزان به کشت ارقام پرمحصول گردید و نتیجه آن در سال بعد یعنی در سال ۱۳۶۳ مشخص گردید. در آن سال نیز واردات کاهش یافت (حدود ۳۰ هزار تن نسبت به سال ۱۳۶۲). متأسفانه در سال ۱۳۶۳ بدون توجه به شرایط اقتصادی آن روز همان قیمت تضمینی سال ۱۳۶۲ را پیشنهاد مینمایند. (۱۰). قیمت پیشنهادی متناسب با بازار نبوده و کشاورزان از تحویل برنج به دولت

خودداری می کنند و میزان خرید دولت تا ۴۰ هزار تن کاهش می یابد (جدول شماره ۲). مسلماً نتیجه این کار، عدم رغبت کشاورزان به کشت ارقام اصلاح شده پر محصول و کاهش تولید ملی و افزایش واردات برنج را در پی داشت.

در نهایت در سال ۱۳۶۴ پس از یکدوره پنج ساله با تصمیمات ضد و نقیض، طرح تضمینی خرید برنج عملاً متوقف می گردد و هر ساله بر میزان واردات اضافه گشت و در مقاطع مختلف دولت سعی کرده که از اهرم واردات برنج و توزیع آن از طریق کوپن، قیمت آن را کنترل نماید. آیا اتخاذ اینگونه سیاست می تواند باعث تثبیت بازار برنج گردد؟ آیا به نقش منفی آن در تولید ملی و رغبت کشاورزان به کشت ارقام پر محصول و در نهایت ناچاراً به واردات بیشتر نباید توجه کرد؟ صرف نظر از تولید ملی آیا به نقش منفی آن حتی در زمینه تحقیقات برنج و معرفی ارقام پر محصول نباید توجه شود؟ اینها سئوالاتی است که حقیقاً نیاز دارد که گروهی از کارشناسان متعهد و متخصص در امر تحقیق و تولید به آن پرداخته و تجربه های دهه های گذشته، اهرم واردات برای کنترل بازار و تاثیر منفی آن در تولید ملی و در نهایت ضرورت واردات و یا عدم آن و یا واردات در حد ضرورت را در دفاتر بایگانی دفن نکنند، و اجازه واردات بی رویه را که باعث تخریب تولید ملی است صادر نکنند. متأسفانه باید این نکته نیز بیان گردد که همان قیمت تضمینی سالهای اوائل دهه شصت مبنائی شده برای سال های بعد و هر ساله درصد محدودی حتی پائین از نرخ تورم سالانه را به آن اضافه کرده و اعلام می کنند.

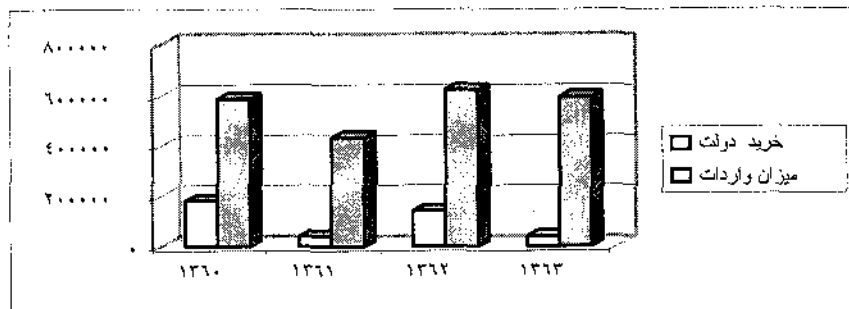
جدول شماره ۲- میزان واردات، قیمت تضمینی خرید و خرید برنج توسط دولت در سالهای ۱۳۵۹ الی ۱۳۶۳

تست تضمینی (دبال)	۱۳۵۹	۱۳۶۰	۱۳۶۱	۱۳۶۲	۱۳۶۳	۱۳۶۴ توقف طرح خرید برنج
	۱۲۰	۱۱۷	۱۷۲	۲۴۰	۲۴۰	
میزان خرید (تن)	-	۱۸۱۰۰۰	۴۰۰۰۰	۱۴۰۰۰۰	۴۰۰۰۰	توقف طرح خرید برنج
واردات (تن)	۴۰۲۴۵۹	۵۸۶۵۵۹	۴۳۱۹۸۷	۶۲۱۷۰۸	۵۹۳۲۲۱	توقف طرح خرید برنج
ملاحظات	صعودی نسبت به سال قبل	صعودی	نزولی	صعودی	نزولی	توقف طرح خرید برنج

ماخذ - موسسه مطالعات پژوهشی های بازرگانی - از سری انتشارات بازار جهانی کالا شماره ۱۹.

نمودار ۲- مقایسه میزان خرید ارقام پر محصول برنج با واردات سال بعد

در دوران طرح خرید تضمینی برنج (۱۳۶۳-۱۳۶۰)



علل شکست طرح خرید برنج و تاثیر سوء تصمیمات ضد و نقیض آن در تجارت برنج

علل شکست طرح خرید برنج از سوی دولت را میتوان در چند بند زیر خلاصه نمود:

عدم برنامه ریزی برای خرید، عدم امکانات لازم برای خشک کردن شلتوکهای خریداری شده و نیز سیلوهای فنی مناسب برای حفظ و نگهداری آنها تا زمان تبدیل.

خرید محدود (بخش بسیار کمی از تولید کل) برنج این امر نیز بدلیل عدم برنامه ریزی خرید، کمی تعداد مراکز خرید و کمبود فضای لازم برای انبار کردن بوده است.

نرخ گذاری بدون مطالعه و بدون در نظر گرفتن تورم اقتصادی جامعه و عدم تطبیق نرخ

پیش بینی شده با سایر فاکتورهای اقتصادی حاکم در آن روز.

خرید شلتوک بجای خریدن برنج سفید، این امر شاید یکی از عوامل بسیار مهم عدم

موفقیت طرح خرید برنج بوده باشد، زیرا در فصل پاییز و احتمال بارندگی متناوب قطعاً

شلتوکهای تازه خرمکوبی شده تر (خیس) بوده و برای کشاورزان هم تحویل شلتوک مهم

بود نه کیفیت تحویل، لذا مواد نامناسب در انبارهای نامناسب تر نتیجه ای جز فساد

شلتوکها را در پی نداشت. در این راستا قطعاً ضررهای هنگفتی متوجه دولت گردید.

تصمیمات ضد ونقیض مقطعی مثلاً ممنوعیت خروج برنج که باعث قاچاق برنج می شد، در نتیجه احتکار پیش می آمد، کمبود کاذب احساس می شد و خود به خود افزایش قیمت را نیز به همراه داشت. ممنوعیت خروج هم پس از مدتی کوتاه لغو می گشت.

دادن یارانه به مصرف کننده بجای دادن آن به تولید کننده مثلاً اگر کود و سم و سایر نهاده های کشاورزی را به کشاورزان با نرخ یارانه ای تحویل می داد در عوض محصول آنها را براساس نرخ یارانه ای نهاده ها قیمت گذاری می نمود.

اگر چه هدف اصلی سیاست گذاران طرح خرید برنج بسیار عالی بوده و چنین پیش بینی شده بود که با کمک مکانیزم قیمت میتوان باعث افزایش تولید شوند، و برای جلوگیری از زیان تولید کنندگان هزینه تولید آن را تامین کنند و باعث گسترش سطح زیر کشت ارقام اصلاح شده پرمحصول گردند، اما کاری بس عظیم و حیاتی را بدون مطالعه و برنامه ریزی آغاز کردند و به همان دلایلی که در بالا ذکر گردید، این طرح (طرح خرید تضمینی برنج) نه تنها به اهداف اصلی از پیش تعیین شده دست نیافت بلکه باعث معضلاتی نیز گردید.

متأسفانه بدلیل واردات بیش از نیاز واقعی و تزریق آن در شبکه توزیع در سال ۱۳۷۸ معضل بسیار بزرگی ایجاد گردید و کشاورزان نتوانستند محصول خود را بفروشند (بدلیل اشباع بازار از برنج وارداتی یارانه ای دولت) و در سال ۱۳۷۸ نیز دولت یکی از شرکتهای اصلی وارد کننده را مأمور خرید داخلی می نماید و در سطح استان مازندران فقط دو ایستگاه خرید یکی در فریدونکنار و دیگری در آمل دایر می نمایند و در همان سال (۱۳۷۸) مقدار بسیار کمی، توسط شرکت خریداری می شود و بخش عظیم برنج تولیدی سال ۱۳۷۸ به روی دست کشاورزان باقی می ماند و تا اینکه محصول ۱۳۷۹ نیز وارد بازار می گردد. بدلیل فشار کشاورزان و دست اندرکاران مستقیم و غیر مستقیم تولید برنج در سطح استانهای شمال کشور و سایر مناطق برنج خیز کشور مجدداً دولت شرکت گسترش خدمات بازرگانی را مأمور خرید برنج داخلی می نماید و آن شرکت نیز از شرکت تعاونی روستائی بعنوان یک واسطه خرید دعوت به همکاری می نماید حقیقتاً بررسی نقاط مثبت

و منفی طرح خرید برنج مازاد بر مصرف در سال ۱۳۷۹، صف های کیلومتری ماشین های مملو از برنج، توقف روزها و دریافت پول فروش پس از هفته ها و کارشناسی سلیقه ای در برخی مراکز شرایط بسیار غیرمنطقی را ایجاد نمود و انگیزه تولید برنج را بسیار ضعیف و باعث تسریع در تغییر کاربری شالیزار گردید. بررسی وضعیت خرید سال ۱۳۷۹ نیاز به یک مقاله مستقل دارد.

مجدداً اعلام می دارم که از سال ۱۳۵۳ همواره دولت از واردات بی رویه و یا مازاد بر نیاز سعی نمود که تا از آن بعنوان اهرم کنترل برای متعادل کردن قیمت برنج داخلی استفاده کند. این استراتژی نه تنها آثار تخریبی مهمی در تحقیقات کشور داشته و دارد بلکه تولید برنج را نیز متزلزل نموده است و هر ساله شاهد افت و خیزهای زیادی در تولید، عرضه، واردات و توزیع هستیم متأسفانه این استراتژی (واردات بعنوان اهرم فشار) همچنان جزء سیاست متولیان امور بازرگانی و برنامه ریزی اقتصاد کشور می باشد.

مخصوصاً این موضوع در سال های مختلف بشدت تحت تاثیر نوسانات ارزی کشور می باشد، کم شدن درآمد ارزی (کاملاً متکی به صادرات نفت) محدودیت واردات مقطعی یا فصلی و احساس کمبود را در پی داشته است و از طرفی نرخ تضمینی یا حداقل قیمت بدون توجه به سایر معادلات و فاکتورهای اقتصادی، اجتماعی و خرید دولت از مازاد بر مصرف تولید کنندگان از جمله عوامل موثر در افزایش قیمت در بازار می باشد.

همه مطالب ذکر شده باعث می شوند که ارقام پرمحصول که نتیجه تلاش سال های متمادی محققین می باشد بی رونق، کم رنگ و مورد بی توجهی قرار گیرند و هر ساله نیاز کشور به واردات بیشتر گردد.

تجربه سه دهه گذشته در رابطه با تولید، عرضه، تقاضا و واردات برنج را نباید در اتاقهای بازرگانی، مراکز تحقیقاتی، کشاورزی، سازمان های برنامه ریزی و بودجه بندی بایگانی نمود بلکه باید از آنها بعنوان سرمایه ای ملی برای سیاست گذاری منطقی علمی آینده بکار گرفت، ما که زخم شلاق استعمار را بر تن و خنجر استعمار را در دل و داغ تزویر و نفاق استکبار را در پیشانی داریم، ما که کلام خدا را در سر، بندگی و توکل

معبود را در دل و پرچم لاله الا... را در دست داریم، باید بخوبی دریابیم که فردا، نه بلکه همین امروز غذا از جمله برنج اهرمی بسیار قوی و کارآمد در دست صاحبان زر، زور و تزویر خواهد بود. بدون شک در آینده نه چندان دور با توجه به رشد جمعیت، تنگناهای تولید، کمبود آب، مسمومیت آب و خاک، گرم شدن هوا و بسیاری از عوامل دیگر، موضوع غذا شکل بسیار بحرانی تر و ترازدی غم انگیزتری را بخود خواهد گرفت.

سطح زیر کشت وضعیت تولید برنج در دهه گذشته و استراتژی حرکت به سمت خود کفائی.

سطح زیر کشت برنج در ده سال گذشته در جدول شماره ۳ نشان داده شده است. همانطوریکه در جدول مشاهده می شود از سال ۱۳۶۹ سطح زیر کشت برنج در ۱۹ استان برنج خیز کشور از ۵۲۴۲۶۶ هکتار به بالا بوده است و در سال ۱۳۷۹ به مرز ۶۰۰ هزار هکتار رسیده است.

استان های شمالی کشور از جمله گیلان و مازندران بیشترین سطح تولید را (دو سوم سطح برنجکاری کل کشور یا در حدود ۴۰۰ هزار هکتار) به خود اختصاص داده اند. نسبت کشت ارقام اصلاح شده به ارقام محلی به دلیل عدم تثبیت قیمت ها، واردات و نبود نظام کشت متغیر می باشد. سالی، ممکن است به سطح بسیار پایین یعنی در حدود ۲۰ درصد کل سطح زیر کشت نیز برسد و یا در شرایطی مثلاً در سال ۱۳۷۸ به بالاترین سطح خود (بیش از ۴۰ درصد) نیز رسیده است.

جدول ۳- سطح زیر کشت برنج در کل کشور بین سال های ۱۳۶۹ الی ۱۳۷۹

سال	۱۳۶۹	۱۳۷۰	۱۳۷۱	۱۳۷۲	۱۳۷۳
سطح (هکتار)	۵۲۴۲۶۶	۵۷۳۱۷۰	۵۹۷۰۴۰	۵۸۸۴۶۶	۵۶۳۳۸۱
سال	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	۱۳۷۸
سطح (هکتار)	۵۷۵۵۷۵	۶۰۰۲۲۹	۵۶۳۲۱۰	۶۰۰۰۰۰	۶۱۰۰۰۰

همانگونه که در جدول ۳ ملاحظه می شود در سال های اخیر سطح زیر کشت برنج در کل کشور در مرز ۶۰۰ هزار هکتار بوده است.

تولید کل شلتوک و برآورد آن در شرایط پیشنهادی جای هیچگونه تردیدی نیست که در ارقام اصلاح و معرفی شده برنج در سال های اخیر مثلاً ارقام نعمت، ندا و فجر دارای عملکرد بسیار بالا (میانگین ۷ الی ۸ تن در هکتار) و کیفیت پخت و خوراک قابل قبولی برای مصرف کننده ایرانی هستند و در مقایسه با ارقام محلی، ۲/۵ حتی ۳ برابر نیز قابلیت تولید دارند (۱۱ و ۱۲) طبیعی است که با اعمال هر مکانیسم اقتصادی و یا برقراری نظام بهینه کشت می تواند نقش بسیار معنی داری در تولید برنج کشور داشته باشد. در جدول شماره ۴ سطح زیر کشت، مقدار تولید و نیاز واردات در شرایط موجود ارائه گردید اما در جدول شماره ۵ شرایط پیشنهادی با تغییر الگوی کشت، تعدادی عملکرد و نیازمندی واردات ملاحظه می گردد.

جدول ۴- تولید برنج (ارقام محلی و اصلاح شده) مصرف و کمبود برنج در شرایط موجود در سال ۱۳۷۹ (شرایط موجود و حاکم بر تولید برنج).

ارقام	سطح زیر کشت (۱۰۰۰ هکتار)	عملکرد در واحد (سطح تن)	تولید شلتوک (۱۰۰۰ تن)	تولید برنج سفید (۱۰۰۰ تن)	مصرف داخلی (۱۰۰۰ تن)	میزان کمبود (۱۰۰۰ تن)
محلی	۴۰۰	۳	۱۲۰۰	۷۲۰	-	-
اصلاح شده	۲۰۰	۷	۱۴۰۰	۸۴۰	-	-
جمع	۶۰۰	-	۲۶۰۰	۱۵۶۰	۲۳۴۰	۷۸۰ ± ۳۹

ضریب تبدیل برابر ۶۰ درصد.

مصرف سرانه در سال برابر ۳۶ کیلوگرم

جمعیت کل کشور برابر ۶۵ میلیون نفر

با احتساب ۵ درصد اضافه و یا کمتر بعنوان ضریب اطمینان

بعنوان مثال سطح زیر کشت برنج در استان مازندران پر محصول در سال ۱۳۷۹ به مرز ۹۱ هزار هکتار رسید که نسبت به سال ۱۳۷۸ به ۱۲۲ به میزان ۲۵/۴ درصد کاهش داشته است (سطح زیر کشت ارقام پر محصول در سال ۷۸ به میزان ۱۲۲۰۰۰ هکتار بوده است، همین روند صعودی و نزولی نیز برای استان گیلان و سایر استان ها نیز وجود دارد.

جدول ۵ - تولید کلی برنج (ارقام محلی و اصلاح شده)، مصرف و کمبود در شرایط

پیشنهادی با فرض ثابت بودن سطح کل زراعت برنج.

ارقام	سطح زیر کشت (۱۰۰۰ هکتار)	عملکرد در واحد سطح (تن)	تولید شلتوک (۱۰۰ تن)	تولید برنج سفید (۱۰۰۰ تن)	مصرف داخلی (۱۰۰۰ تن)	کمبود (۱۰۰۰ تن)
محلی	۲۰۰	۳	۶۰۰	۲۶۰	-	
اصلاح شده	۴۰۰	۷	۲۸۰۰	۱۶۸۰	-	
جمع	۶۰۰	-	۳۴۰۰	۲۰۴۰	۲۲۴۰	۲۰۰ ± ۵۰

کلیه شرایط جانبی جدول چهار در اینجا نیز صادق می باشد.

همانطوری در جدول ۴ و ۵ ملاحظه می شود با اعمال سیاست صحیح در تولید حقیقی و ملی که مستلزم و متکی تمام عیار به سیاست گذاری درست و منطقی در تولید، عرضه، خرید و توزیع ارقام پرمحصول می باشد. تا چه اندازه می توان نیازمندی های داخلی برنج را تامین نمود؟ یعنی حدود ۴۰ درصد واردات فعلی را می توان تا مرز ۱۰ درصد کاهش داد. از طرفی با عنایت به سایر منابع افزایش تولید از طریق کاهش ضایعات در کاشت، داشت و برداشت و اعمال مدیریت علمی از طریق آموزش و ترویج کشاورزی نوین، کاهش ضایعات تبدیلی (ضریب تعدیل) نیز توجه کافی بعمل آید. بعنوان مثال در حال حاضر، کشاورزی نوین میزان نیاز بذر در هکتار را کمتر از ۵۰ کیلوگرم می داند در حالیکه کشاورزان سایر مناطق مختلف برنجکاری (به غیر از مازندران که در هر هکتار حدود ۶۰ کیلوگرم بذر مصرف می کند) بیش از ۱۰۰ کیلوگرم بذر در هکتار مصرف می نمایند. لذا با اعمال در مدیریت و آموزش صحیح می توان صرفه جویی معنی داری در این زمینه نیز بوجود آورد.

تبدیل کشت مستقیم به کشت نشائی یکی دیگر از منابع افزایش تولید است. اگر چه تغییر سیستم کشت مستقیم به کشت نشائی افزایش هزینه در واحد سطح را در پی دارد. افزایش عملکرد در واحد سطح می گردد. از موارد بسیار مهم، اساسی و ضروری دیگر کشت ارقام هبرید برنج می باشد. خوشبختانه تکنولوژی اصلاح و تولید بذر هبرید برنج توسط همکاران پر تلاش مؤسسه تحقیقات برنج کشور و دانشگاه مازندران (دانشکده

علوم کشاورزی ساری) سازگار و با شرایط بومی منطقه تطبیق داده شده است و امروزه می تواند یکی از مهمترین روش در افزایش تولید برنج در واحد سطح باشد آزمایشات بعمل آمده در این خصوص بیانگر آن است که ارقام برنج هبرید می توانند ۱۵ الی ۳۰ درصد افزایش محصول در واحد سطح نسبت به ارقام اصلاح شده پرمحصول داشته باشند. لذا تحقیقاً باید اذعان نمود که کسری در حدود ۱۰ درصد واردات برنج را می توان با اجراء سیاستی ثابت و اختصاص بخشی از برنجکاری کشور را به ارقام برنج هبرید کاملاً پوشش داد و مملکت را از نعمت خود کفایی بهره مند نمود.

باید با تعمق کافی به این مسئله پرداخت و از واردات بی رویه که شاید راحت ترین راه و در عین حال ضربه پذیرترین راه است جداً اجتناب نمود. مجدداً متذکر می شوم که تنها راه نجات از معضل واردات، تفکر اندیشه و اراده ملی در امر خود کفایی است.

بحث و نتیجه گیری

شکاف بزرگ استانداردهای زندگی بین جوامع توسعه یافته و در حال توسعه روز به روز وسیع تر می گردد. یکی از معیارهای توسعه یافتگی بحث کمیت و کیفیت غذا و میزان انرژی دریافتی از منابع مختلف غذایی است. جهان پیشرفته فقط به صادرات محصولات صنعتی و الکترونیکی به سایر ممالک مشغول نمی باشد بلکه صادرات مواد غذایی نیز یکی دیگر از راه های کسب درآمد آنها از یک سو و از سوی دیگر خروج قابل ملاحظه ارز از سوی کشورهای واردکننده می شود. گندم، برنج، ذرت روغن و ... از جمله محصولات غذایی وارداتی طی سه دهه گذشته می باشند. که متأسفانه واردات آنها همواره سیر صعودی داشته و بخش عظیمی از سرمایه ملی را به جیب صادرکنندگان و دلالان بین المللی سرازیر می کند و از سوی دیگر انگیزه را برای تولید از بین برده و خیل عظیم بیکاری را به ارمغان و مهاجرت از مناطق روستایی به شهر را تسریع بخشیده است. در طرح ساماندهی اقتصادی ریاست محترم جمهور هم سازماندهی محتوایی یعنی مقررات و اصلاح ساختار تشکیلات مطرح بود و هم مدیریت اقتصادی و با تأسف باید گفت که مدیریت اقتصادی کشور از بیماری و نارسایی رنج می برد و یکی از محورهای آسیب

دیده گی برای در آمد ناخالص ملی مخصوصاً مناطق شمالی و برنج خیز کشور زراعت برنج بوده است. سیاست غیر صحیح و مقطعی واردات بعنوان اهرم کنترل بازار در تعیین و تبدیل قیمت طی سه دهه اخیر جزء استراتژی مدیریت اقتصادی کشور بوده است. به وضوح مشاهده می شود که چنین استراتژی نه تنها هیچ مؤثر نبوده بلکه لطمه جدی به ارکان تولید ملی کشور زده است. میزان واردات صعودی گندم، برنج، ذرت، روغن و غیره نوید این استراتژی می باشد. با همه توجه و عنایتی که در ابتدا انقلاب مخصوصاً از طرف امام راحل در خصوص خود کفایی غذایی و محوری بودن توسعه کشاورزی شده بود متأسفانه بتدریج کم رنگ گردید. بخشی از رهنمودهای بنیادی پیام حضرت امام رحمه علیه این بود که :

امروز کشاورزی در کشور ما از اهم امور است و هدایت اجرای آن به وجه صحیح اساس اقتصاد کشور است.

و یا فرمودند:

شما کشاورزان بزرگترین پشتیبان ملت هستید باید به کار کشاورزی خودتان ادامه بدهید.

و نیز در جای دیگر فرمودند:

کشاورزان عزیز می توانند که ایران را از وابستگی در این بعد (بعد کشاورزی) نجات دهند و این را یک عبادت شرعی حساب کنند.

و یا مقام معظم رهبری هم که در اکثر بیانات خود توصیه به استقلال و خود کفایی محصولات کشاورزی دارند و در مواردی هم این حجم واردات محصولات گیاهی (غذایی) را تاسف بار ذکر فرمودند و یا ریاست محترم جمهور هم که فرمودند :

که تامین منابع غذایی را حتی نباید ملاحظه صرفه اقتصادی بکنیم. بلکه سیر به سوی خود کفایی باید انجام گیرد. متأسفانه کشاورزی هم مثل کل اقتصاد ما رنج می برد از یک سلسله مشکلاتی که باید بطور اساسی حل شود. آنوقت ملاحظه می شود که متأسفانه برنامه ریزان اقتصادی امیدوار به چند دلار نفتی، واردات را سرلوحه رشد اقتصادی و ایجاد زمینه عدالت اجتماعی قرار داده اند.

باید به خاطر سپرد که غول های چند ملیتی غله دنیا نظیر کارگیل، کتینانتال، لوئی دریفوس، بانج و غیره چه برنامه های استعماری را برای تحویل غله در شوروی طی دو دهه گذشته، در چین در دهه ۱۹۶۰، در شیلی در اوایل دهه ۱۹۷۰، در زئیر در دهه ۱۹۷۰، در بنگلادش پس از جنگ پاکستان و بنگلادش، در هندوستان پس از ملی شدن نفت و همچنین در ایران پس از ملی شدن نفت و بسیاری از کشورهای دیگر تحمیل کرده اند. اگر فردا به هر دلیل ممکن دلارهای نفتی کسب نگردد چه سرنوشتی در انتظار اقتصاد کشور می باشد؟

چگونه کشاورزی محور است در حالیکه بازار مملو از کالاهای وارداتی برنج است و آنهم برنجی که با قیمت یارانه ای آفت جان تولید داخلی گردیده است. واقعیت امر این است که برنج وارداتی را با ارز دولتی و واریز نامه ای وارد می کنند در حالیکه تولید داخلی در شرایط کاملاً تورمی و ارز آزاد صورت می گیرد، بنابراین کشاورزی نمی تواند در شرایط تورمی زیاد، نرخ بالای ارز و بطور کلی شرایطی که در آن انگیزه ها بر علیه آن هستند رشد کند، دخالت دولت ها در زندگی اقتصادی همیشه مولد نمی باشد بلکه واردات بدون حساب و کتاب، ضرورت و توزیع نابهنگام آن می تواند مشکل عمده ای برای کشاورزی بوجود می آورد. مجدداً متذکر می شوم که چگونه شوک منفی قیمت نفت در دو سال گذشته عرق سردی بر پیشانی همگان نشسته بود، اگر دوباره اتفاق بیافتد چی؟ بنابراین باید یادآوری نمود که استفاده از منابع ملی برخاسته از تجزیه و تحلیل علمی و کارشناسی، پرهیز از سیاست زدگی در مباحث، عزت و احترام به تولیدات داخلی و حفظ جایگاه آن در درآمد ناخالص ملی و دادن بهاء لازم برای احیاء تولید در داخل نه چشم امید به پهلو گرفتن کشتی های گندم، برنج و سایر محصولات کشاورزی و... حقیقتاً مردم منتظر بحث های علمی و تخصصی در امر کشاورزی و توسعه می باشند نه شعارهای سیاسی و کم تاثیر در روند اقتصاد ملی و احیاء کشاورزی:

بدون شک امروزه با پیشرفت علوم و تکنولوژی نوین، عرضه محلی غذا ارتباط چندانی با شرایط طبیعی آن ندارد. چه بسیار مردمی هستند که دارای تغذیه خوب می

باشند اما از زمین کافی برای تولید غذا برخوردار نیستند و چه بسیار مردمی هستند که در سرزمین سرسبز و پر باران زندگی می کنند اما گرسنه هستند و یا در انتظار گرسنگی، دلیل اصلی داشتن و نداشتن غذا سیاست است، آب، خاک و هوا عوامل اصلی و طبیعی داشتن غذا هستند و سایر عوامل انسانی (نیروی کار ساده فنی، تخصصی)، نهاده های آگروشیمیائی.. سرمایه گذاری های لازم در امر تولید و استمرار آن که شامل سیاست های اقتصادی کلان و نظام کشت کارشناسی شود و از همه مهمتر اراده سیاسی ملی لازمه خود کفائی است. متأسفانه روند واردات برنج طی سه دهه گذشته سیر صعودی را نشان می دهد؛ از ۱۱ هزار تن در سال ۱۳۴۱ به ۱۲۲۰ هزار تن در سال ۱۳۷۸ رسیده است. قیمت محصولات کشاورزی در بازارهای جهانی هم بسیار متغیر و روند صعودی داشته است مخصوصاً با اعمال قوانین سازمان تجارت جهانی و حذف یارانه های مستقیم به محصولات کشاورزی از اروپا و آمریکا به سایر نقاط جهان این قیمت ها نیز بشدت افزایش خواهد یافت. میزان بسیار کم تولید مازاد بر مصرف برنج (فقط ۲/۴ الی ۴ درصد) وارد بازار بین المللی می گردد، اگر چه نفت طی چندین دهه گذشته منبع اصلی حرکت های اقتصادی و شاید تنها تامین کننده درآمد ارزی ما بوده است اما این منبع نمی تواند تکیه گاه مطمئن و بادامی باشد، شرایط اقلیمی در سطح بین المللی مخصوصاً کشورهای اصلی تولید کننده برنج بیانگر محدودیت سطح آبی کشت برنج در آسیا می باشد (تقریباً ۱۰ درصد زمین های پاکستان یعنی ۱۳/۵ میلیون هکتار در معرض جدی شوری است. شمال غرب هندوستان و شمال شرق چین وضعیت مشابهی با پاکستان دارند و بخش های وسیعی از هندوستان، پاکستان و بنگلادش بدلیل برداشت بی رویه آب های زیر زمینی در خطر جدی کمبود آب آشامیدنی قرار دارند، آلودگی آبهای زیر زمینی و غیره در نظر می باشد، زمانی آب در آسیا مطرح نبود و لیکن از دهه ۱۹۵۵ الی ۱۹۹۰ بمقدار ۴۰ الی ۶۰ درصد سرانه آب کاهش یافت، در کشور خودمان مخصوصاً در شمال کشور که یکی از پر بارانترین مناطق ایران است چقدر چاه های آب شور و غیر قابل استحصال شده اند، چقدر سطح آبهای زیر زمینی پائین رفته است و دهها سؤال دیگر چه مکاسیستی برای

حمایت از تولید اعمال می شود؟ حتماً همه متولیان امر کشاورزی و اقتصاد نمی دانند که واردات بی رویه چگونه زمینه تولید برای دراز مدت را به مخاطره انداخته است و همین موضوع طی سالیان متمادی باعث واردات هر چه بیشتر محصولات مختلف کشاورزی گردیده است. اگر فردا به هر دلیل ممکن امکان واردات وجود نداشته باشد تکلیف چیست؟ کاملاً طبیعی است، حساب دو و تا چهار تا است زیرا زمانی صف چند کیلومتری برنج بر روی ماشین ساعت ها و روزها در انتظار رسیدن به مرکز خرید باشد و سرآخر پول فروش را پس از چند هفته و یا چند ماه دریافت کنند، آنوقت شعار حمایت از کشاورزی در هر جلسه ای ساعت ها وقت را پر می کند و ...

آنوقت می توان فکر خود کفائی داشت؟ آنوقت محقق انگیزه ای برای اصلاح ارقام و کشاورز حوصله شنیدن پیام آموزشی و ترویجی را دارد؟ قضاوت با شما است. همه اینها تاثیر واردات بی حساب و کتاب بر روند تولید و فاصله گرفتن از استقلال و امنیت غذایی است. بعنوان نتیجه گیری نهائی متذکر می شوم که اگر سیاست گزاری در امر حمایت از تولید از شعار حمایت، به فرهنگ حمایت از تولید تبدیل شود تحقیقاً با همین خاک، آب و ارقام اصلاح شده موجود می توان پیش از ۹۰ درصد برنج مورد نیاز کشور را در زمین های خودی تولید نمود و میلیون ها دلار نفتی را صرف زمینه سازی تولید داخلی نمود و از نعمت و امنیت حقیقی غذا بهره مند شد، یعنی کفایت دو سوم زمین های برنجکاری کشور به ارقام پرمحصول اختصاص یابد و این موضوع چاره اصلی کار، برای رسیدن به خود کفائی است.

همانگونه که در جدول ۴ و ۵ ملاحظه می گردد با اعمال حساسیت صحیح و پاسداری از دست رنج ملی می توان الگوی کشت ارقام را تغییر داد و از ۷۰۰ هزار تن برنج وارداتی به ۲۰۰ هزار تن و یا کمتر رسید این مهم در حالی است که اولاً ارقام پرمحصول اصلاح شده سازگار با منطقه و با کیفیت قابل قبول اصطلاح شده وجود دارد و در ثانی تکنولوژی تولید بذر هیبرید که می تواند ۱۵ الی ۳۰ درصد بیشتر از ارقام اصلاح شده عملکرد در واحد سطح داشته باشد نیز بومی و سازگار با منطقه گردیده است. علاوه بر اینها باید

کاهش در میزان مصرف بذر در خزانه، کاهش ضایعات، داشت و برداشت، کاهش ضایعات تبدیل در کارخانه را نیز در نظر داشت، تحقیقاً با اعمال سیاست صحیح بخش عظیم برنج مورد نیاز کشور را (بیش از ۹۰ درصد) می توان در داخل با همین میزان مصرف آب و سطح زیر کشت موجود تهیه نمود.

نکته قابل ذکر دیگر این است که همه متولیان مستقیم و غیر مستقیم دخیل در تولید واردات، توزیع برنج بلافاصله موضع گرفته و مصرف کننده را سیر سیاست های غیر اصولی خود می نمایند. هم تولید کننده ایرانی هموطن ما است و هم مصرف کننده ایرانی و هموطن ما است. مطمئناً بحث ما این است که بجای دادن یارانه به واردات و پرداخت مستقیم یارانه به مصرف کننده باید یارانه به تولید کننده داده شود نه به وارد کننده مصرف کننده همان قیمت برنج وارداتی و یا کوپنی را پرداخت کند اما بجای سرازیر شدن دلارهای نفتی به جیب دلالان بین المللی و رونق برنجکار تایلند، ویتنام، هند و پاکستان، صرف بهینه سازی تولید و کاهش هزینه تولید داخل گردد تا هم ضریب امنیت غذائی کشور تضمین گردد، هم کشاورز زمین خود را تبدیل و یا رها نکند و در شهرها سرگردان نگردد و هم زمینه اشتغال از بین نرود. فردا اگر خدای نا کرده مشکلی بر سر راه تولید، صادرات نفت پیش آید هم مصرف کننده و هم تولید کننده بکجا دچار مصیبت خواهند شد. در پایان چند توصیه کاربردی نیز ارائه می گردد:

مسئولین ذریبض واردات کشور، در مواقع ضروری از واردات بعنوان اهرم در تعادل واقعی قیمت برنج در بازار استفاده کنند نه از آن بعنوان چماق بر سر تولید داخلی. اصولاً منطقی نیست که وارد کنندگان انحصاری، خریداران انحصاری داخلی نیز باشند. همانطوری که مسئولین امر، برای واردات ارز تخصیص می دهند و در اختیار وارد کنندگان قرار می دهند باید منبع ریالی را نیز برای خرید داخل تامین نمایند. نه اینکه تصمیم خرید اتخاذ شود، اما دستگاه های مختلف مدعی می شوند که منبع اعتباری مشخصی برای خرید وجود ندارد. همین موضوع واقعاً برای فروشندگان و خریداران مشکل بزرگی بوجود می آورد.

تعاونی شالیکاران در شهرستان های برنج خیز باید تقویت کردند و بخشی از اعتبارات خرید برنج های پرمحصول بصورت مقطعی در اختیار آنان قرار گیرد و بعنوان عامل خرید و تحویل آن برای توزیع در اختیار سازمان گسترش خدمات بازرگانی و یا هر مرجع ذیصلاح دیگر قرار گیرد.

متولیان امر اقتصادی کشور اندیشه واردات ارزانتر از تولید گرانتر در داخل را پیشه تصمیم گیری و برنامه ریزی قرار ندهند بلکه تقبل بخشی از هزینه تولید داخلی را بعنوان بهاء تامین امنیت غذایی مد نظر قرار دهند.

منابع

- ۱- اداره کل آمار و اطلاعات ۷۷-۱۳۷۶ غلات در آئینه آمار، معاونت برنامه ریزی، وزارت کشاورزی (از صفحه ۹۹ الی ۱۹۱).
- ۲- نعمت زاده قربانعلی، گزارش تحلیلی از وضعیت برنج کشور ۱۹۷۵، انتشارات مؤسسه تحقیقات برنج کشور.
- ۳- پویان حسن، اضافه جمعیت مسائل جهان سوم ۱۳۷۰ انتشارات چاپخش
- ۴- جوائری ابوالقاسم با نان تنها (غذا و تغذیه در جهان) ۱۳۶۸ انتشارات مرکز نشر دانشگاهی.
- ۵- تغذیه کره زمین ۱۳۷۷، مجله بانک کشاورزی شماره ۶۷ سال ۱۳۷۷
- ۶- قرآن کریم سوره نساء آیه ۲۶۸.
- ۷- قریب یوسف، صادرات و کشاورزی، نقل از پیام صادرات شماره ۳۲ اردیبهشت ۱۳۷۶.
- ۸- سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولید کنندگان، گزارش وضعیت و مجوز ترخیص صادره برنج در سال ۱۳۷۸.
- ۹- غلات در آئینه آمار، سال های ۷۷-۱۳۷۶، معاونت برنامه ریزی و بودجه اداره کل آمار و اطلاعات وزارت کشاورزی.

۱۰- فهیمی فر جمشید بازار جهانی برنج ۱۳۷۰ موسسه مطالعات و پژوهشی های
بازرگانی وزارت بازرگانی.

۱۱- نعمت زاده قربانعلی اصلاح و معرفی رقم پرمحصول نعمت با کیفیت مطلوب ۱۳۷۶
مجله علوم کشاورزی، دانشگاه تهران

۱۲- نعمت زاده قربانعلی گزارش اصلاح و معرفی رقم پرمحصول ندا با کیفیت پخت و
خوراک مطلوب ۱۳۷۷ موسسه تحقیقات برنج کشور.

13-IRRI reporter water Crises on the way of Asia 1995

14-Almanac 1993 International Rice Research Institute, Philippines

15-Devinder -Sharma in the famine trap 8-1997 ISBN-85552-02